علمی

محققان :

مومیایی ۲۱۰۰ ساله مصری جنین نوزاد نارس است

محققان بعد از بررسی دقیق یک مومیایی ۲۱۰۰ ساله مصری که تصور می‌شد حاوی باقی مانده بدن یک پرنده باشد، دریافتند که این مومیایی مربوط به جنین نارس نوزادی ۲۸ هفته‌ای است.

پژوهشگران اولین بار با اسکن دقیق مومیایی یادشده در سال ۲۰۱۸ به این نتیجه رسیدند که گمانه زنی‌های قبلی در مورد محتوای این مومیایی غلط است، اما تا به امروز کشف راز مومیایی مذکور ناممکن باقی مانده بود.

این مومیایی در موزه میداستون در کنت انگلیس نگهداری می‌شود و نقاشی‌های سطح آن شبیه به سر یک شاهین طلایی است و به نظر می‌رسد به یکی از خدایان مصریان باستان یعنی هوروس اشاره دارد. اسکن مومیایی یادشده در سال ۲۰۱۸ دقت بالایی نداشت و محققان با مشاهده بازوهای قرار گرفته بر روی سینه یک موجود حدس زدند که احتمالا یک میمون توسط مصریان باستان مومیایی شده است.اما اسکن دقیق‌تر این مومیایی توسط پژوهشگران انگلیسی و کانادایی در هفته‌های اخیر نشان داد که استخوان‌های مومیایی یادشده متعلق به یک جنین مذکر هستند که بین ۲۲ تا ۲۸ هفته عمر کرده بود. ظاهراً برخی ناهنجاری‌های شدید ستون فقرات و مشکلات مانع از رشد مناسب مغز و جمجمه این نوزاد شده و در نهایت به مرگ آن قبل از تولد انجامیده است.

برای محاسبه زمان رسیدن به مقصد ؛

خدمات مسیریابی گوگل بر مبنای اثرات کرونا به روز شد

گوگل خدمات مسیریابی و محاسبات مربوط به مدت زمان رسیدن به مقصد را در برنامه نقشه خود بر مبنای اثرات شیوع بیماری کرونا تغییر داده است. هدف از این کار این است که کاربران بتوانند به طور دقیق زمان رسیدن به مقصد و مدت زمان در راه ماندن را محاسبه کنند.

شیوع ویروس کرونا موجب تعطیلی بسیاری از خدمات حمل و نقل عمومی در شهرهای بزرگ و بسته شدن راه‌های مواصلاتی با هدف جلوگیری از انتشار بیشتر ویروس شد. اما چندهفته ای است که شرایط در جهان به تدریج در حال بازگشت به حالت عادی است. گوگل بر مبنای همین تغییرات تدریجی در حال به روزکردن خدمات نرم افزار نقشه گوگل در زمینه مسیریابی است.

این تغییرات از طریق هر سه نسخه تحت وب، آی او اس و اندروید برنامه نقشه گوگل در دسترس است و در صورت دریافت اطلاعات جدید در مورد محدودیت‌های رفت و آمد در شهرهای مختلف جهان گوگل داده‌های خود را در این زمینه به روز می‌کند.

از جمله این اطلاعات می‌توان به فعال شدن یا غیرفعال شدن نقاط کنترل در مسیرهای جاده‌ای، مسدود شدن برخی جاده‌ها، تغییر در ساعت حرکت مترو، قطار و هواپیما در بخش‌های مختلف جهان و غیره اشاره کرد.

همزمان با تشدید تنش‌ها میان چین و آمریکا ؛

دولت انگلیس هواوی را از صنعت مخابرات خود کنار می‌گذارد

همزمان با تشدید تنش‌ها میان چین و آمریکا، دولت انگلیس که متحد کاخ سفید است قصد دارد از تولیدات هواوی در شبکه‌های مخابراتی خود استفاده نکند.

انگلیس به دنبال آن است که به جای همکاری با هواوی از تولیدات ان ای سی، سامسونگ، اریکسون و دیگر شرکت‌های مخابراتی برای برپایی زیرساخت‌های مدنظر خود بهره بگیرد.دولت انگلیس بعد از کش و قوس‌های فراوان سرانجام دستور حذف تمامی تولیدات هواوی را از شبکه‌های مخابراتی این کشور به سبب نگرانی‌های امنیتی صادر کرده است.

در این میان بریتیش تله کام که یکی از بزرگترین ارائه دهندگان خدمات مخابراتی و اینترنت در انگلیس است، به همکاری با اریکسون روی آورده و O۲ هم نوکیا را به عنوان پیمانکار انتخاب کرده است. بریتیش تله کام وعده داده که تا سال ۲۰۲۳ تمامی تجهیزات هواوی را از شبکه‌های خود حذف می‌کند.

پیش از این قرار بود هواوی در زمینه تأمین بخشی از نیازهای اپراتورهای انگلیسی در زمینه ارائه خدمات نسل پنجم نیز همکاری کند که با تصمیم جدید این همکاری نیز لغو شد.

در طرحی آزمایشی ؛

نوکیا موبایل 5G ارزان می سازد

نوکیا قصد دارد یک موبایل ارزان قیمت 5G در اوایل ۲۰۲۱ میلادی به بازار عرضه کند.

نوکیا قصد دارد موبایل «نوکیا۸.۳ 5G» را به عنوان نخستین دستگاه مجهز به نسل پنجم اینترنت همراه به بازار عرضه کند. درهمین راستا گزارش های جدید نشان می دهد شرکت نوکیا مشغول آزمایش تراشه های Dimensity شرکت مدیا تک برای یک موبایل 5G ارزان قیمت است.

هرچند قبلا گزارش های مختلف حاکی از آن بود که موبایل نوکیا۷.۳ به عنوان یک دستگاه 5G ارزان قیمت به بازار عرضه می شود، اما منابع مختلف اشاره می کنند در این دستگاه از تراشه اسنپ دراگون استفاده می شود. همچنین به نظر می رسد این شرکت قصد دارد ۲ نسخه از نوکیا ۷.۳ بسازد که یکی از آنها 4Gو دیگری 5Gخواهد بود.

موبایل 5G ارزان قیمت نوکیا با تراشه Dimensity احتمالا اوایل ۲۰۲۱ میلادی عرضه شود. سری تراشه های Dimensity در حال حاضر شامل Dimensity۸۰۰،۸۲۰،۱۰۰۰ است که از نسل پنجم اینترنت همراه پشتیبانی می کنند.

طبق اخبار موجود شرکت HMD در تکاپو است تا با تکیه بر موبایل های 5G حضور خود را در بازار گسترش دهد

پس از یکسال صیغه مخفیانه ؛

زن جوان از رییس شرکتش انتقام گرفت

آتش انتقام در وجودم زبانه می کشید، از این که عواطف و احساساتم دستمایه هوا و هوس های مردی میان سال قرار گرفته بود، ناراحت و عصبانی بودم بنابراین نقشه ای کشیدم تا آتش این خشم را خاموش کنم و ...

زن ۳۷ ساله که در پی شکایت مردی ۵۰ ساله به کلانتری مراجعه کرده بود در حالی که از ارتکاب جرمش ابراز پشیمانی می کرد، به مشاور و کارشناس اجتماعی کلانتری احمد آباد مشهد گفت:«در خانواده ای نسبتا مرفه در مشهد متولد شدم. پدرم کاسب و مغازه دار و مادرم خانه دار بود. من فرزند اول خانواده بودم و یک خواهر و یک برادر کوچک تر از خودم داشتم. از دوران نوجوانی علاقه زیادی به رشته هنر داشتم و پس از کسب مدرک دیپلم در رشته گرافیک در دانشگاه پذیرفته شدم.

در محیط دانشگاه با پسری به اسم جلال آشنا شدم. او یکی از همکلاسی هایم و از دانشجویان دانشگاه بود.پس از آشنایی با جلال ، معنای عشق در یک نگاه را فهمیدم چرا که عشقی آتشین بین ما ایجاد شده بود به طوری که بعد از مدت کوتاهی تصمیم به ازدواج با یکدیگر گرفتیم. وقتی جلال به خواستگاری ام آمد، خانواده من با ازدواجمان مخالفت کردند. پدرم جلال را هم شأن خانواده ما نمی دانست. از طرفی پدر و برادر جلال به مواد مخدر اعتیاد داشتند، این را پدرم از تحقیقات محل سکونت خانواده او در حاشیه شهر متوجه شده بود اما گوش من به این حرف ها بدهکار نبود ...من تنها صدای قلبم را می شنیدم که تنها عشق جلال را فریاد می زد. خلاصه من و او با وجود تمامی مشکلات و مخالفت خانواده ها با یکدیگر ازدواج کردیم تا این عشق به ثمر بنشیند پدرم نیز مرا طرد کرد و به قول خودش قسم خورد که دیگر دختری به اسم پری ندارد! من زندگی عاشقانه با جلال را به پدر و خانواده ام ترجیح دادم... چهار سال بعد خداوند به من پسری عطا کرد که ثمره عشقمان بود.

کیوان پنج سال داشت که جلال به واسطه معاشرت با دوستان لاابالی و ناباب گرفتار مواد مخدر سنتی شد و کمی بعد نیز به مصرف مواد مخدر صنعتی روی آورد. با اعتیاد همسرم به مواد مخدر صنعتی، آتش عشق من و او خاموش شد. او در انجام وظایف همسرداری کوتاهی می کرد و من مجبور بودم برای تامین هزینه های زندگی مان مشغول کار شوم. در عین حال من پای انتخاب اشتباهم ایستادم و تصمیم گرفتم به او کمک کنم تا اعتیاد را ترک کند و به زندگی بازگردد.

بدین ترتیب چندین بار او را در کمپ ترک اعتیاد بستری کردم اما هر بار بعد از مدتی دوباره مصرف مواد مخدر را آغاز می کرد.جلال به شدت من و پسرم را اذیت و آزار جسمی و روحی می کرد بنابراین چاره ای نداشتم جز این که از او طلاق بگیرم و زندگی جدیدی را با پسرم آغاز کنم. زندگی برایم سخت بود اما روی بازگشت به منزل پدری و کمک گرفتن از خانواده ام را نداشتم بنابراین برای تامین هزینه های زندگی ام در یک شرکت تبلیغاتی مشغول کار شدم. رئیس شرکت مردی به ظاهر موجه و میان سال بود. از صحبت هایش متوجه شدم از همسرش جدا شده و با دو فرزندش زندگی می کند.

کیومرث گاهی اوقات با من درددل می کرد و از مشکلات طلاق و جدایی از همسرش و تربیت فرزندانش سخن می گفت. این گفت و گو های روزمره به تدریج رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و ارتباطی صمیمی بین ما ایجاد شد تا این که کیومرث به من پیشنهاد ازدواج داد. او از من خواست به صورت موقت و به مدت یک سال با یکدیگر ازدواج و سپس عقدمان را رسمی و دایمی کنیم. من نیز پذیرفتم تا این که بعد از یک سال و پایان مدت صیغه، او بدون هیچ بهانه ای منزل را ترک کرد و رفت . تصور می کردم از من سوء استفاده و احساساتم به بازی گرفته شده است. تحمل شکستی دوباره را نداشتم. از این که به سادگی دستمایه سوء استفاده و خوش گذرانی یک مرد میان سال قرار گرفته بودم، ناراحت بودم. از شرکت کیومرث بیرون آمدم و در شرکتی دیگر مشغول کار شدم.

می خواستم همه چیز را فراموش کنم اما آتش انتقام در وجودم زبانه می کشید بنابراین نقشه ای را طراحی کردم تا این آتش را خاموش کنم. پیج اینستاگرام کیومرث را که خودم برای او طراحی و از آن طریق مشتریان زیادی را برای شرکت تبلیغاتی اش جذب کرده بودم، هک کردم و تبلیغات شرکتی را که به تازگی در آن مشغول کار شده بودم، در همان صفحه قرار دادم. حالا هم با شکایت کیومرث به کلانتری آمده ام تا .... شایان ذکر است به دستور سرهنگ احمد مجدی(رئیس کلانتری احمد آباد مشهد) پرونده پس از بررسی مقدماتی در دایره مددکاری اجتماعی برای انجام تحقیقات بیشتر به پلیس فتا ارجاع شد .

راز یک جنایت ؛

مادر سنگدل به ۲ دخترش شربت مرگ خوراند

زن جوان به دلیل مشکلاتی که در زندگی اش داشت در زرند کرمان دست به جنایت هولناکی زد او ۲ دخترش را با شربت متادون به قتل رساند.

بی‌پولی، جدایی و زندگی زناشویی نابسامان، زن جوان را به اجرای تصمیم وحشتناکی وادار کرد. مادری سی‌ودو ساله که با خوراندن متادون به فرزندانش آنها را به کام مرگ فرستاد. قصدش رهایی جمعی از این زندگی سخت بود. متادون را به دو دختر یازده و شش ساله‌اش خوراند، قرار بود خودش هم متادون را مصرف کند، ولی برای دیدن وضع بچه‌هایش تا صبح بالای سر آنها ماند. منتظر شد ببیند چه اتفاقی برای دخترهایش می‌افتد. اما با دیدن وضع بدی که داشتند، تازه متوجه تصمیمش شد و با فریاد اهل خانواده را خبر کرد. این زن حالا دستگیر شده است و در مقابل مأموران پلیس کرمان لحظه‌های وحشتناک مرگ دخترهایش را روایت می‌کند. پانزدهم خردادماه بود که این حادثه در خانه‌ای در کرمان اتفاق افتاد. صدای فریادهای یک زن تمام محله را خبر کرد. از این خانه بوی جنایت می‌آمد. زن جوان فریاد می‌زد و اسم دو دخترش را صدامی‌کرد. لحظاتی بعد اورژانس رسید، دقایقی بعد هم پلیس را خبرکردند. پدر و برادر این زن پلیس و اورژانس را خبر کرده بودند. چند دقیقه بیشتر طول نکشید که این زن دستبند به دست به کلانتری منتقل شد و دو دختر خردسالش نیز به بیمارستان انتقال پیدا کردند.

* زن زرندی در آستانه جدایی از شوهرش بود و مشکلات روحی زیادی داشت

اما تلاش پزشکان برای این دو دختربچه فایده‌ای نداشت. سوگند و فاطمه جان باخته بودند. دلیل مرگ‌شان مصرف متادون بود. وقتی خبر مرگ دلخراش این دو کودک رسید، همزمان مادر جوان تحت بازجویی قرار گرفت و روایت تلخی را از کشتن دخترانش بیان کرد: «سال‌ها با مردی معتاد زندگی کردم. وقتی با شوهرم ازدواج کردم، متوجه شدم او تریاک می‌کشد. خیلی سعی کردم ترک کند، ولی فایده‌ای نداشت. تا اینکه بعد از چندسال شوهرم از مصرف تریاک به شیشه روی آورد. بعد از آن بود که استرس‌ها و مشکلات روحی من شروع شد. دیگر از شوهرم می‌ترسیدم.

او شیشه می‌کشید و ممکن بود کارهای خطرناکی کند. از ترس جان خودم و بچه‌هایم درنهایت تصمیم به جدایی گرفتم و با دخترهایم به خانه پدری‌ام رفتیم. اما همچنان مشکلات روحی و استرس‌ها مرا رها نکرد. خیلی سعی‌کردم تحت درمان قرار بگیرم، پیش روانپزشک و روانشناس هم رفتم و تحت درمان بودم، اما دیگر نتوانستم طاقت بیاورم. یک شب که داشتم به مشکلاتم فکر می‌کردم، تصمیم گرفتم به زندگی‌مان پایان دهم. مشکلات مالی و استرس‌هایم هر لحظه بیشتر می‌شد، برای همین به دخترهایم متادون خوراندم. می‌خواستم خودم هم بخورم، ولی منتظر ماندم ببینم وضع دخترهایم چه می‌شود. ساعت ۷ صبح بود که دیدم حالت بدی دارند. آنجا بود که به خودم آمدم و با فریاد از بقیه کمک خواستم.»

کوروش احمد یوسفی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمان درباره مرگ دو دختربچه زرندی گفت: «جزئیات این موضوع و صحت صحبت‌های این مادر توسط کارشناسان پلیس در دست بررسی است. تنها چیزی که مشخص است اینکه این زن در خانواده

خیلی خوبی بزرگ شده و زمان قتل نیز در خانه پدری‌اش بوده است. پدر و برادرش بودند که با پلیس تماس گرفتند. آنها نیز از این اتفاق به شدت شوکه شده بودند. این ماجرای تلخ پانزدهم خرداد اتفاق می‌افتد و بنابر گفته‌های مادر وقتی متادون به فرزندانش می‌دهد و می‌بیند خون از دهن آنها می‌آید، با داد و فریاد خانواده خود را خبر می‌کند.

حمدیوسفی با اعلام اینکه مادر مدعی است مشکل روانی داشته، ادامه داد: «او با همسر خود اختلاف داشته و در آستانه جدایی بوده است. خودش می‌گوید بیکار بوده و از لحاظ مالی هم مشکلات زیادی داشته است. این خانواده اصالتا زرندی ولی مقیم کرمان بودند که مادر قاتل همان روز دستگیر می‌شود تا اقدامات قضائی و مداخلات روانشناختی صورت گیرد. قاتل سی‌ودوساله و دو فرزندش به نام‌های سوگند یازده ساله و فاطمه شش ساله بودند. هنوز پدر خانواده شکایتی را مطرح نکرده است. فعلا پیگیر این پرونده هستیم تا ببینیم پدر خانواده چه می‌گوید.»

در لانه مرگ ؛

سماجت مرد به رابطه با زن شوهردار منجر به قتل شد

زن ۴۰ ساله ای که ساندویچ فروش را در «لانه مرگ» به قتل رسانده است، صبح روز گذشته از یک «سماجت کثیف» پرده برداشت و راز این جنایت را فاش کرد.

شب دوازدهم خرداد زن و مردی پژوسوار، پیکر خون آلود جوانی را به بیمارستان فارابی مشهد رساندند تا مداوا شود. زمانی که کادر درمانی بیمارستان پیکر نیمه جان جوان ۳۳ ساله را به بخش اورژانس بردند، راننده ۲۷ ساله پژو ۲۰۶ به بهانه پارک خودرو در پارکینگ ، به بیرون از بیمارستان رفت و به همراه زن ۴۰ ساله ای که همراهش بود، سوار بر خودرو از محل متواری شد. از سوی دیگر اقدامات پزشکی برای نجات مجروح ۳۳ ساله بی نتیجه ماند و او درحالی جان سپرد که اصابت شیء برنده به ران پایش، حکایت از وقوع یک جنایت داشت. به همین دلیل ساعتی بعد کارکنان مرکز درمانی مراتب را به پلیس ۱۱۰ اطلاع دادند.

دقایقی بعد به دستور سرهنگ باقرزاده (رئیس کلانتری نجفی)، گروهی از ماموران گشت و تجسس عازم مرکز درمانی شدند و پس از انجام یک سری تحقیقات مقدماتی، ماجرا را به قاضی کاظم میرزایی (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) گزارش کردند.

بنابر گزارش خراسان، درحالی که سپیده صبح آسمان مشهد را فرا گرفته بود، مقام قضایی به همراه گروه ویژه ای از نیروهای تخصصی اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی عازم بیمارستان فارابی شدند.

بررسی های میدانی نشان می داد که زن و مرد جوان با حالتی مضطرب و سوار بر پژو ۲۰۶ درحالی از بیمارستان گریخته اند که سعی داشتند آثاری از خودشان در مرکز درمانی به جا نگذارند به همین دلیل نیز فرم های بیمارستانی را تنظیم نکرده بودند! اما تجربه قضایی قاضی ویژه قتل عمد، افکار کارآگاهان را به سوی اقدامات فنی سوق داد که معمولا مجرمان در حالت استرس و اضطراب از خود بر جا می گذارند. تماس اشتباهی زن جوان با آتش نشانی به جای اورژانس در ساعت وقوع جرم و همچنین ردیابی شماره انتظامی خودرو، از سرنخ های مهمی بود که سروان جمالی (افسر پرونده) با راهنمایی های قاضی میرزایی به پیگیری آن ها پرداخت.

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است تماس با مالک خودرو پژو ۲۰۶ مشخص کرد که این خودرو ۱۰ سال قبل به صورت قولنامه ای فروخته شده است. درنهایت کارآگاهان اداره جنایی که با نظارت و هدایت مستقیم سرهنگ محمدرضا غلامی ثانی (رئیس با تجربه اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی) به ردزنی های اطلاعاتی خود ادامه می دادند، در مدت کوتاهی موفق شدند شماره تماس راننده ۲۷ ساله را به دست آورند اما این جوان در یکی دیگر از شهرهای خراسان رضوی حضور داشت و هنوز از ماجرای مرگ جوان ۳۳ ساله مطلع نبود! به همین دلیل کارآگاهان با توسل به شگردهای فنی و اطلاعاتی محل سکونت خواهر او را در بولوار پیروزی مشهد شناسایی کردند و با دستور مقام قضایی، به تحقیق از وی پرداختند چرا که تصاویر دوربین های مدار بسته نشان می داد که خواهر راننده ۲۷ ساله پژو نیز در شب حادثه همراه او بوده است. این زن وقتی در حضور قاضی میرزایی، مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفت هنوز نمی دانست که جوان ۳۳ ساله به قتل رسیده است. او که فکر می کرد آن جوان سمج پس از اقدامات درمانی زنده مانده است، درباره ماجرای این حادثه وحشتناک گفت: در سال پایانی کارشناسی ارشد رشته حقوق بین المللی تحصیل می کنم و فرزند بزرگم نیز ۲۴ سال دارد، با وجود این با همسرم اختلافاتی داشتم و از او دلخور بودم. حدود ۱۰ ماه قبل با ناراحتی از شهرستان (محل زندگی قبلی) به مشهد آمدم، گرسنه ام بود، به یک ساندویچی در خیابان امام رضا(ع) رفتم. یک چک ۵۰۰ میلیون تومانی از شوهرم داشتم و هنگام صرف ساندویچ به صورت تلفنی با خانواده ام درباره این چک صحبت می کردم غافل از این که جوان ساندویچ فروش به حرف هایم گوش می دهد. بعد از این ماجرا برای پرداخت وجه ساندویچ در دستگاه پوز کارت کشیدم و به شهرستان بازگشتم.

حدود ۱۰-۱۵ روز بعد از این موضوع، جوان ساندویچ فروشی که خودش را «حمید-ج» معرفی می کرد، با من تماس گرفت و بی پرده به من ابراز علاقه کرد. هاج و واج مانده بودم. به او گفتم من شوهر دارم و پسرم در سن و سال توست ولی او همچنان با سماجت اصرار می کرد از روزی که مرا در ساندویچ فروشی خودش دیده، عاشقم شده است. به او گفتم شماره تلفن مرا چگونه به دست آوردی؟ گفت: از روی دستگاه پوز به بانک صادرکننده کارت زنگ زدم و با این ترفند که یکی از مشتریانم یک صفر بیشتر به دستگاه وارد کرده است، از کارمند بانک خواهش کردم تا شماره تلفن و شماره کارت را برای بازگرداندن وجه اضافی مشتری به من بدهد! کارمند هم که ساعت دقیق و تاریخ واریز وجه از دستگاه پوز مغازه ام را دید، شماره تلفن تو را به من داد!

این زن جوان در ادامه اعترافاتش افزود: آن روز تلفن را قطع کردم اما آن جوان دوباره تماس گرفت، پیامک داد، از طریق فضاهای مجازی وارد شد و ... خلاصه آن قدر این سماجت کثیف را برای ارتباط با من ادامه داد که دیگر از آبرویم می ترسیدم. اگر فرزند یا شوهرم از این تماس ها و پیامک ها مطلع می شدند رسوایی بزرگی به بار می آمد و هیچ کس باور نمی کرد من هیچ ارتباطی با این جوان سمج ندارم! بالاخره برای آن که شر او را از سرم کم کنم، پیشنهاد ملاقات حضوری اش را پذیرفتم و برای بار دیگر به مشهد آمدم! به او گفتم برای رضای خدا دست از سرم بردارد! اما مرغ او یک پا داشت و فقط ادعا می کرد عاشقم شده است و نمی تواند مرا فراموش کند! باز هم به تهدیدها و خواسته هایش توجهی نکردم ولی او حتی به مدرسه فرزند دیگرم زنگ می زد و پیامک های عاشقانه می فرستاد. در آخر هم مدعی شد اگر مبالغی پول به او بدهم دست از سرم برمی دارد.

خلاصه در طول ۱۰ ماه از ۱۰۰ هزار تومان تا ۱۰ میلیون تومان برای حفظ آبرویم به او دادم! ولی باز هم پول بیشتری می خواست تا این که موضوع کرونا پیش آمد و ساندویچی «حمید» تعطیل شد. او با من تماس گرفت و ادعا کرد که باید ۲۰ میلیون تومان به او بدهم تا اجاره مغازه اش را بپردازد وگرنه باید مغازه ساندویچ فروشی را تحویل بدهد! هر چه التماس می کردم من این قدر پول ندارم باز هم او تهدیدم می کرد که آبرویت را می برم! به ناچار ماجرا را برای برادرم حسن بازگو کردم و گفتم آبرویم در خطر است. برادرم نیز تهدیدهای آن جوان ساندویچ فروش را از پشت خط شنید و به من گفت با او در منزل خودم قرار بگذارم چرا که از حدود دو ماه قبل به مشهد آمده ام و در بولوار پیروزی زندگی می کنم! من هم با حمید تماس گرفتم و او را به بهانه دادن پول به خانه ام کشاندم. اول گفتم پنج میلیون می دهم بقیه را هم مدتی بعد پرداخت می کنم اما او می گفت باید ۲۰ میلیون را یک جا بدهم.

قبل از آن که حمید به خانه بیاید برادرم در طبقه دوم مخفی شد و زمانی که حمید به خانه ام آمد ناگهان رو در روی برادرم قرار گرفت و ادعا کرد که عاشقم شده و مرا دوست دارد! در عین حال کار به مشاجره و دعوا کشید! وقتی آن ها با هم گلاویز بودند، من چاقوی آشپزخانه را برداشتم و هنگامی که حمید به سمت من حمله ور شد تا مرا گروگان بگیرد، از ترس چاقو را به پایش زدم تا به جای حساس بدنش نخورد! زمانی که خون آلود روی زمین افتاد به اشتباه به جای اورژانس به آتش نشانی زنگ زدم، خیلی ترسیده بودم چون خون ریزی او بند نمی آمد به همین دلیل پیکر مجروح او را با خودروی ۲۰۶ برادرم به بیمارستان فارابی بردیم و پنهانی از آن جا گریختیم!...

پرتـو

محققان کره‌ای :

ربات حفاری فضایی با الهام از موش کور تولید شد

محققان کره‌ای با الهام گرفتن از موش کور موفق به تولید رباتی ویژه برای حفاری زمین در جریان انجام ماموریت‌های فضایی شدند.

ربات یادشده که «مول بات» نام گرفته می‌تواند با قرار گرفتن در سطح سایر سیارات به طور خودکار برای حفر زمین و استخراج نمونه‌های خاک و سنگ اقدام کند.

موش کور با دندان‌های بلند و تیز خود در عمق زمین تونل‌های عریضی حفر می‌کند و این ربات هم مجهز به مته قدرتمندی است که با حفر خاک آن را از پشت به عقب رانده و با استفاده از پروانه‌ای چرخنده تخلیه می‌کند. در ادامه از تیغه‌هایی دندانه دار برای پهن‌تر کردن تونل و تسهیل جابجایی در آن استفاده می‌شود.

همچنین دو فلنج فلزی حلقوی قابل انعطاف در دو طرف مته قرار دارند و می‌توانند خاک شل شده را به سمت انتهای خود بفرستند. ربات یادشده برای تسهیل فعالیت از قابلیت نقشه خوانی سه بعدی هم برخوردار است.

این ربات که ۸۴ سانتیمتر طول و ۲۵ سانتیمتر پهنا دارد برای حفاری در معادن مختلف نیز قابل استفاده خواهد بود. وزن ربات مذکور نیز ۲۶ کیلوگرم است.

شرکت چینی ویژنوکس :

اولین گوشی با دوربین زیرنمایشگر در راه است

اولین گوشی جهان که دوربین عکاسی آن در زیر نمایشگر تعبیه شده به همت یک شرکت چینی زودتر از حد تصور از راه می‌رسد.

شرکت چینی ویژنوکس ویدئوی کوتاهی را در اینترنت منتشر کرده که نشان می‌دهد این شرکت به فناوری تولید نمایشگرهای یکپارچه که بتوان دوربین سلفی گوشی را در زیر آنها جای داد، دست یافته است.

ویژنوکس اولین شرکت فناوری در جهان است که در عمل موفق به تولید چنین نمایشگری می‌شود. یک شرکت چینی دیگر به نام اوپو هم سال قبل مدعی شده به فناوری مذکور دست یافته، اما علیرغم گذشت حدود یک سال از اعلام این خبر اوپو هنوز هیچ گوشی با نمایشگر یکپارچه که دوربین گوشی در زیر آن باشد، عرضه نکرده است.

با ابداع این فناوری دست سازندگان گوشی‌های هوشمند برای تولید گوشی‌های جدیدی با نمایشگرهای بزرگ و خلاقانه باز خواهد بود.

گفته می‌شود سامسونگ قصد دارد این فناوری را در گوشی جدید خود یعنی گالکسی اس ۲۱ به کار بگیرد. هر چند خود سامسونگ در این زمینه اظهار نظر نکرده است. این گوشی قرار است در سال ۲۰۲۱ روانه بازار شود.

با نمایشگر باریک و جان سخت ؛

گوشی جدید سامسونگ عرضه شد

منابع نزدیک به سامسونگ خبرهای تازه ای را در مورد گوشی تاشوی جدید این شرکت موسوم به گلکسی فولد ۲ منتشر کرده و از تجهیز آن به شیشه‌ای قدرتمندتر خبر داده‌اند.

اگر چه در حال حاضر توجه اکثر مردم متوجه عرضه گوشی گلکسی نوت ۲۰ سامسونگ است، اما این شرکت بی سروصدا در حال تلاش برای تولید گوشی تاشوی جدیدی به نام گلکسی فولد ۲ است.

در این گوشی از نسل جدیدی از شیشه‌های نمایشگر موسوم به یو تی جی استفاده شده که در عین استحکام بالا بسیار نازک و باریک هم هستند و مدل ساده‌تری از آنها در گوشی گلکسی زد فیلیپ که در ابتدای سال جاری میلادی عرضه شد، نصب گردیده بود.

در نمایشگر اولین گوشی گلکسی فولد از نوعی ماده پلی میدی پلاستیک مانند استفاده شده بود که به افزایش انعطاف این گوشی کمک می‌کرد. اما ماده یادشده در برابر خم شدن‌های مکرر آسیب پذیر بود و لذا سامسونگ به استفاده از فناوری بهتر یو تی جی روی آورد که تکمیل آن با همکاری شرکت آلمانی Schott ممکن شد.

از جنس پلیمر ؛

غضروف مصنوعی با پرینتر ۳ بعدی تولید شد

محققان با استفاده از پرینتر سه بعدی و جوهری از جنس پلیمر، غضروف مصنوعی ساخته اند.

افرادی که لگن، زانو و مهره های ستون فقرات آنها فرسوده می شود، با مشکل فقدان غضروف روبرو می شوند. این امر سبب می شود استخوان ها در برابر یکدیگر ساییده شوند و در نتیجه تورم در بدن به وجود می آید.

اکنون محققان با استفاده از یک پرینتر ۳ بعدی آنالوگی مصنوعی از غضروف ساخته اند که می توان از آن برای درمان چنین بیمارانی استفاده کرد.

این غضروف مصنوعی ویژگی های یک نمونه واقعی را دارد و از مفاصل آسیب دیده دوباره محافظت می کند. این در حالی است که تا پیش از این ابداع نسخه هایی از غضروف مصنوعی به دلیل پیچیدگی این ماده غیرممکن به نظر می رسید. اما محققان دانشگاه کلرادو پرینترهای ۳ بعدی بسیار دقیق را برای ساخت این آنالوگ به کار گرفتند.

این تحقیق در کل روی دستکاری الاستومرهای کریستالی مایع(LCEs) متمرکز بود که به دلیل خاصیت انعطاف پذیری و توانایی خارق العاده شان برای پراکندن انرژی زیاد مشهور هستند. نمایشگرهای موبایل نیز از مواد LCE ساخته می شوند و همین ماده در تولید «کولار» (Kevlar) نیز به کار می رود.